



بی بی فاطمه مظلوم ترشیزی
کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

مقدمه

راغب در مفردات می گوید:

کلمه ذکر گاهی در معنای (یاد-خاطر) بکار می رود. مثلاً می گویند (افی ذکرک، آیا به یاد داری و آیا به خاطر داری) و این یاد و خاطر هیأتی است در نفس، که با داشتن آن انسان می تواند آن چه از معلومات کسب کرده حفظ کند، مانند حافظه، با این تفاوت که حفظ را در جایی به کار می برند که مطلبی را در حافظه خود داشته باشند، هر چند که الآن حاضر و پیش روی نباشد، به خلاف ذکر که در جایی بکار می رود که علاوه بر این که مطلب در صندوقچه حافظه اش هست، در نظرش هم باشد، و گاهی کلمه ذکر را در حضور قلب استعمال می کنند، و یا حضور در زبان، مثلاً می گویند ذکر خدا دو نوع است، یکی ذکر به زبان و دیگری ذکر به قلب، یعنی حضور در قلب. معنای سوم ذکر هم عبارت است از سخن، چون هر سخنی را هم ذکر می گویند. ۱

واحدی می گوید:



اصل ذکر در لغت توجه و یادآوری است و در اصطلاح ذکر به معنای حاضر شدن شیء در ذهن انسان است که گاهی به وسیله قلب صورت می گیرد و گاهی به وسیله زبان و شرطش هم این نیست که حتماً پس از نسیان و فراموشی باشد. ۲.

قرآن کریم می فرماید: **الذین یذکرون الله قیاماً وقعوداً وعلی جنوبهم...** (آل عمران، ۳/۱۹۱) مردان الهی و به تعبیر قرآن اولوا الالباب، در همه احوال، در حال ذکرند و هیچ گاه قلبشان از ذکر پروردگار غافل نیست. چرا که ذکر زبانی اولاً به تنهایی کافی نیست ثانیاً به میزان ذکر قلبی قابل تداوم و استمرار یافتن نیست و لکن ذکر قلبی - در صورت سلامت قلب - می تواند همیشه و در همه حالات استمرار یابد چرا که با هیچ یک از شئون زندگی انسان و کارهای عادی او منافات ندارد و هیچ گاه برای آن محذوری متصور نیست، مگر امراض گوناگون قلب که باید از شر آنها به خداوند پناه ببریم. البته چنان که گفتیم سخن ما در باب قلب سلیم است، قلبی که با مجاهدت خویش و عنایت پروردگار از تمامی این امراض مصون و محفوظ مانده است. امام سجاد علیه السلام در باب ذکر خدا در همه احوال، که می تواند تفسیر آیه شریفه فوق باشد می فرماید:

یا مولای بذکرک عاش قلبی

و این معنای ذکر خدا در همه احوال و در تمامی شئون زندگی است.

ذکر بر دو قسم است: ذکر زبانی و ذکر قلبی. ذکر قلبی نیز خود دو قسم است: ۱. تفکر کردن در عظمت خدا و جلال و ملکوت و نشانه های او در آسمان و زمین. ۲. به یاد آوردن خداوند در مواضع امر و نهی به نحوی که موجب امتثال اوامر و اجتناب از نواهی و توقف کردن در شبهات گردد. رساله جامع علوم انسانی

از بهترین اقسام آن فکر است، چنان که در احادیث وارده ذکر خفی را بهتر و با فضیلت تر شمرده اند و پایین ترین درجه ذکر، ذکر زبانی است هر چند ذکر زبانی هم بنا بر آن چه در روایات آمده فضیلت بسیار دارد.

ذکر خدا در هر درجه ای که باشد، به همان میزان مایه شرافت و بزرگی اهل ذکر است چنان که حضرت سید الساجدین علیه السلام در جای دیگر می فرمایند:

یا من ذکره شرف للذاکرین ۴

از آنجا که هر ذکری به صورت مدح و ثنا و مانند آن، اگر برای غیر خدا صورت گیرد مایه شرافت شخص مذکور خواهد بود، امام علیه السلام به این حقیقت اشاره فرمودند که ذکر

خدای متعال ، مایه شرافت و رفعت درجه شخص ذاکر است و فایده آن عاید خود او می شود چرا که خداوند عزوجل از ما سوای خویش کاملاً مستغنی است و چه بسا که این فرمایش امام علیه السلام اشاره ای به آیه شریفه «فاذکرونی اذکرکم» (بقره، ۲/۱۵۲) باشد، که البته ذکر و یاد مولا ، مایه شرافت و رفعت مقام عبد خواهد بود .

هم چنین خدای متعال در حدیث قدسی می فرماید : «من ذکرنی فی ملاء ذکرته فی ملاء خیر من ملته» ، و نیز می فرماید : «ومن ذکرنی سرّاً ذکرته علانیه»^۶

گفته شده است که ذکر خدای سبحان نسبت به کسی که ذاکر او باشد، ظاهر نمودن شرافت او در میان ملائکه و انسان ها است . هم چنان که امام سجاد علیه السلام می فرمایند :

فامرتنا بذکرک و وعدتنا علیه ان تذکرنا تشریفاً لنا وتفخیماً واعظاماً .^۷

این بیان امام علیه السلام در عین کوتاهی و اجمال ، حاوی چند مطلب در باب ذکر است :

- ۱ . ذکر یکی از شئون قلب سلیم است که خدای متعال به طور صریح به آن امر فرموده است : فامرتنا بذکرک و این تلمیح است ، به آیات شریفه ای که به ذکر الهی امر می کنند .
- ۲ . وعده ذکر خدا در قبال ذکر عبد : و وعدتنا علیه ان تذکرنا که این وعده نیز در قرآن کریم به عنوان نتیجه ذکر عبد از مولا بیان شده است : فاذکرونی اذکرکم .
- ۳ . آثار و برکات ذکر مولا از عبد که عبارت از شرافت بخشیدن ، تکریم نمودن و بزرگ داشتن مقام عبد خواهد بود . چرا که ذکر بندگان ، ذکر خداوند را در پی خواهد داشت و ذکر خدا برکات فراوانی را عاید مؤمنین خواهد ساخت .^۸

حالات قلب سلیم به سبب ذکر خدا و مومنانی چنان که بیان شد ، یکی از حالات و خصوصیات قلب سلیم ، ذاکر بودن آن است ، اما باید به این نکته مهم توجه شود که ذکر معنای وسیعی دارد و ذاکر بودن شأنی از شئون قلب است که حالات متفاوتی را در آن ایجاد می نماید و این تفاوت حالات ، به سبب تفاوت مفاد ذکرها و تأثیرات متفاوتی است که تجلی هر طائفه از اسمای الهی بر قلب می گذارد چنان که مثلاً ذکر اسمای جمال ، موجب پیدایش حالت رجا و امید در قلب می شود و ذکر اسمای جلال ، سبب خوف و خشیت آن می گردد . به همین جهت در ادامه این نگاه اجمالی ، بعضی از حالات قلب سلیم را می آوریم و به طور گذرا در سیمای قرآن کریم و بیان صحیفه سجاده به آن می نگریم .



اطمینان قلب سلیم به سبب ذکر خدا

قرآن کریم در باب اطمینان قلب سلیم می فرماید: **الابذکر الله تطمئن القلوب** (رعد، ۱۳ / ۲۸) این آیه شریفه علاوه بر این که تلویحاً ذکر خداوند یگانه را از شئون قلب سلیم می شمارد، بر این مطلب نیز تصریح می فرماید که آرامش و اطمینان قلب تنها در ذکر خداست، چرا که مطلب را در سیاق حصر بیان فرمود و جار و مجرور را بر عامل آن مقدم ساخت.

چنان که امام سجاد علیه السلام با الهام از این آیه شریفه و امثال آن می فرمایند: «فلا تطمئن القلوب الا بذکرک»^{۱۰} چنان که ملاحظه می فرمایید حصری را که در آیه شریفه وجود دارد امام علیه السلام با صراحت بیشتری بیان فرموده اند.

امام علیه السلام در جاهای دیگر ابعاد مختلف اطمینان قلبی و زمینه های ایجاد آن را تبیین می فرمایند که مشتاقان را به صحیفه سجادیه ارجاع می دهیم.

خوف قلب سلیم به سبب ذکر خدا

والذین یؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة انهم الی ربهم راجعون (مؤمنون، ۲۳ / ۶۰) ۱۱

کسانی که علی رغم انجام وظیفه کامل، از یاد مرگ و ذکر رجوع به سوی پروردگار، قلبشان هراسناک می گردد و احساس خوف شدید می نمایند، نه این که از غضب او بی جهت بترسند و نه اینکه در رحمت او شک و تردید داشته باشند بلکه این ترس به خاطر مسئولیت هایی است که بر دوش داشته اند و ممکن است در انجام آن کوتاهی کرده باشند، این ترس به خاطر درک مقام با عظمت خداست که انسان در مقابل عظمت او خائف می گردد. ۱۲

اینان هم چون افراد کومه بین و دون همت نیستند که با انجام یک عمل کوچک خود را از مقربان درگاه خدا پندارند و چنان حالت عجیبی پیدا کنند که همه را در برابر خود کوچک و بی مقدار ببینند بلکه اگر برترین اعمال صالح را انجام دهند - عملی که معادل تمام عبادات انس و جن باشد - علی وار می گویند: **آه من قلة الزاد و بعد السفر** - ۱۳ حضرت سید الساجدین علیه السلام در صحیفه خویش این آیه را عیناً نقل فرموده و از خداوند خواسته اند که ایشان و بلکه همه مؤمنان را از مصادیق این کریمه مبارکه قرار دهد:

اللهم... اجعلنا من الذین یؤتون ما آتوا وقلوبهم وجلة انهم الی ربهم راجعون . ۱۴

بنابراین ذکر اسمای جلال پروردگار و یادآوری و رجوع به سوی آن مقام با عظمت،

نوعی خوف در قلب انسان ایجاد می نماید. علاوه بر این اصولاً حالت خوف و تضرع در حال ذکر، حالت مطلوب و ممدوحی است که قرآن کریم به آن توصیه می نماید چنان که در یکی از آیات شریفه می فرماید:

واذکر ربک فی نفسک تضرعاً وخیفۃً ودون الجهر من القول بالغدو والاصال ولا تکن من الغافلین . (اعراف، ۷/۲۰۵) ۱۵

این آیه شریفه ناظر به ذکر نفسی با حالت خوف و تضرع و سوز و گداز قلب است، آن هم در هر صبح و شام و در تمام لحظات زندگی. لذا امام سجاد علیه السلام سؤال و مسئلت خویش را همراه با خوف و تضرع، توصیف نموده می فرماید:

اللهم... سألتک مسئلة الحقیق الذلیل البائس الفقیر الخائف المستجیر ومع ذلک خیفۃً وتضرعاً. ۱۶

نوع دیگر سؤال، سؤال کسی است که در حال خوف و پناهندگی است، و در عین حال، با خوف و تضرع نیز همراه می باشد. ذکر الهی حالات خوب و مثبت دیگری نیز در قلب ایجاد می نماید، از جمله: همه حالات قلب سلیم و به تعبیر بهتر سلامت آن را به ارمغان می آورد، کما این که حضرت سید الساجدین علیه السلام می فرمایند:

اللهم... اجعل سلامة قلوبنا فی ذکر عظمتک. ۱۷

آری اگر قلب مؤمن در حد خویش به عظمت مقام ربوبی توجه یابد، همه اغیار در نظرش پست و حقیر می شوند و عظمت پروردگار چنان صفحه قلبش را سرشار و مالا مال می سازد که جا برای هیچ غیری باقی نمی ماند.

رجاء قلب سلیم

انّ الذین آمنوا والذین هاجروا وجاهدوا فی سبیل اللّٰه اولئک یرجون رحمت اللّٰه واللّٰه

غفور رحیم . (بقره، ۲/۲۱۸) ۱۸

اللهم... حقق فی رجاء رحمتک أملی . ۱۹

اللهم... فقد اصبحت و أنت ثقتی و رجائی فی الأمور کلّها. ۲۰

یکی دیگر از خصوصیات قلب سلیم، امید و اطمینان و حسن ظن به رحمت پروردگار



است که موجب شوق و رغبت به مقام قرب می گردد و عبد را به طی درجات عبودیت و تقرب جستن به معبود خویش مشتاق می سازد، چنان که با نیروی امید و اشتیاق، سختی های راه را بر خویش هموار می سازد.

البته «باید امیدی به لطف و کرم خدا داشته باشد که او را به طاعت و عبادت وادارد، نه این که موجب غرور و نترسیدن از عذاب شود»^{۲۱}

در سوره فاطر می فرماید: ... ولایقرنکم باللّٰه الغرور (فاطر، ۲۲/۵/۳۵)
در سوره حدید ضمن خطاب به مشرکان می فرماید: ... وغرکم باللّٰه الغرور. (حدید، ۲۳/۱۴/۵۷)

در تفسیر منهج الصادقین می نویسد:

یعنی شیطان به این که خدا کریم و حلیم است و شما را عذاب نمی کند، شما را فریفت. ۲۴.

قلب سلیم میان خوف و رجا

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفاً وطمعاً ومما رزقناهم ینفقون. (سجده، ۲۵/۱۶/۳۲)

(هذا مقام من... امك بطمعه یقیناً وصدك بخوفه اخلاصاً. ۲۶)

هر کس در هر مقامی است باید از مکر و قهر و عذاب الهی ترسان باشد زیرا نترسیدن از مکر و عذاب الهی یا در اثر نداشتن ایمان به خدا و روز جزا است، مانند کفار، و یا در اثر ضعف ایمان و کثرت غفلت و مغرور شدن به آیات رحمت است، مانند ایمن بودن فجّار و معصیت کاران از اهل ایمان، یا در اثر جهل به عظمت و غنای خدای و عجب به عمل خود و تکیه به آن است مانند ایمن بودن بعضی از اهل طاعت و عبادت که چون خدای را به عظمت و بی نیازی و خود را به عجز و حقارت و نیازمندی نشناختند، به عمل خویش دل خوش گردیده و ترس را از دل بیرون کردند، غافل از این که چه عمل های بزرگی که در نزد صاحب بزرگ است ولی به واسطه نداشتن شرایط قبولی نزد خدای تعالی به اندازه ذره ای وزن ندارد. ۲۷.

نکته بسیار مهم این است که انسان مؤمن باید به میزانی که خوف و خشیت دارد، از

امیدواری و رجاء نیز برخوردار باشد چنان که امام باقر علیه السلام می فرمایند:

انه ليس من عبد مؤمن الا (و) في قلبه نوران: نور خيفة ونور رجاء لو وزن هذا لم يزد على هذا. ۲۸

و امام صادق علیه السلام می فرمایند:

لا يكون المؤمن مؤمناً حتى يكون خائفاً راجياً. ولا يكون خائفاً حتى يكون عاملاً لما يخاف ويرجو. ۲۹

سزاوار است که هر یک از خوف و رجاء در مؤمن، در حد کمال و قوت باشد چنان که از حضرت صادق علیه السلام مروی است که لقمان حکیم در ضمن وصیت به فرزندش فرمود: از خدا بترس ترسیدنی که اگر با عبادت جن و انس بر او وارد شوی گویی که مرا عذاب می کند و به خدا امیدوار باش امیدوی که اگر با گناهان جن و انس بر او وارد شوی، گویی مرا به رحمت خود می آموزد. ۳۰

تقوای قلب سلیم

أولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى. (حجرات، ۳/۴۹)

از مطالعه آیه شریفه فوق و نظایر آن معلوم می شود که محل استقرار و جایگاه مناسب تقوای الهی قلب سلیم است چنان که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است می خوانیم که اشاره به سینه مبارک خود کرد و فرمود: «التقوى هاهنا»، حقیقت تقوی این جا است. ۳۲
کما این که حضرت سید الساجدین علیه السلام نیز تقوای الهی را برای قلب خویش درخواست می فرماید:

اللهم... أشعر قلبي تقواك ۳۳

هم چنین بیان فوق تلمیحی است به جنبه لباس بودن تقوا و معنای آن چنین است: پروردگار قلبم را در جامه تقوای خویش بپوشان که از این بیان حالت وقایه و نگهداری تقوای الهی و مصونیت قلب متقی از ارتکاب معاصی به خوبی فهمیده می شود بنابراین لباس بودن تقوای برای قلب به معنای محافظت آن از خطورات، وسوسه ها، و معاصی خاص قلب است و بدین گونه تقوای الهی نسبت به هر یک از اعضا معنای خاصی می یابد و در محافظت نمودن آن عضو از معاصی نقش معینی ایفا می نمایند.



ویرانه های کاخ های ستمگران و مساکن ویران شده جباران و دنیا پرستان که روزی در اوج قدرت می زیستند، هر یک در عین خاموشی هزار زبان دارند و با هر زبانی هزاران نکته می گویند. این ویرانه ها، کتاب های گویا و زنده ای است که از سرگذشت این اقوام، از نتایج اعمال و رفتارشان و از برنامه ای ننگین و کیفر شومشان. این زمین های خاموش و آثاری که در این ویرانه ها به چشم می خورد، گاه مطالعه یکی از آنها به اندازه مطالعه یک کتاب قطور به انسان درس می دهد و به همین دلیل در بسیاری از آیات قرآن، دستور جهانگردی داده شده است. اما جهانگردی الهی و اخلاقی که ایوان مدائن و قصرهای فراغه را آئینه عبرت بداند.

جالب توجه این که مجموعه ادراکات انسان در آیه فوق به (قلب) و (آذان) نسبت داده شده است، اشاره به این که برای درک حقائق، دو راه بیشتر وجود ندارد یا باید انسان از درون جاننش جوششی داشته باشد و مسائل را شخصاً تحلیل کند و به نتیجه لازم برسد، و یا گوش به سخن ناصحان مشفق، هادیان راه و پیامبران خدا و مردان حق بدهد و یا از هر دو راه به حقایق برسد. ۳۵

بنابراین، تفکر و تعقل یکی از شئون قطعی قلب سلیم است. از جمله دلایل قطعیت این امر، بیان خاص قرآن کریم در آیه شریفه است که تعقل را به عنوان وصفی از اوصاف قلب سلیم آورده و آن را یکی از نتایج سیر نمودن در زمین دانسته است.

امام سجاد علیه السلام در مواضع مختلف، تفکر و تعقل و درک و فهم را به قلب نسبت می دهند:

کتب لی الکاتبان... ما لا قلب فکّر فیه. ۳۶

حتی فهم اسرار و عجایب قرآن را نیز در شأن قلب دانسته و درخواست آن را به ما می آموزند:

اللهم... اجعل القرآن لنا... مونساً... حتی توصل الی قلبنا فهم عجائبه. ۳۷

در بیان فوق، امام شرایط نیل به اسرار قرآن را ذکر فرموده اند اعم از انس با قرآن که زمینه توجه به آن می گردد و شرایط دیگری که علاقه مندان می توانند برای تدبیر بیشتر، متن کامل دعای آن حضرت در ختم قرآن کریم را ملاحظه فرمایند.



ایمان قلب سلیم

ولكن الله جَبَّ اليكم الايمان وزينه في قلوبكم ۳۸ (حجرات، ۷/۴۹)

شخص حکیم وقتی می خواهد کاری را انجام دهد، ابتدا زمینه های آن را فراهم می سازد. این اصل در مورد هدایت انسان نیز کاملاً صادق است. خداوند می خواهد همه انسانها - بی آن که تحت برنامه جبر قرار گیرند - با میل و اراده خود راه حق را پیوند، لذا از یک سو ارسال رسل می کند و انبیا را با کتاب های آسمانی می فرستد و از سوی دیگر (ایمان) را محبوب انسانها قرار می دهد، آتش عشق حق طلبی و حق جویی را در درون جانها شعله ور می کند و احساس نفرت و بیزاری از کفر و ظلم و نفاق و گناه را در دلها می آفریند. ۳۹

علاوه بر این علم و معرفت به هر چیزی وقتی کامل می شود که عالم و عارف نسبت به معلوم و معروف خود ایمان صادق داشته باشد نه این که آن را شوخی و بازیچه بیندارد، به علاوه ایمان خود را از ظاهر و باطن خود بروز دهد و جسم و جانش در برابر معروف خاضع شود این همان ایمانی است که اگر در دل بتابد آشکار و نهان آدمی را در پرتو خود اصلاح می کند.

لذا امام سجاد علیه السلام می فرماید:

اللهم انى أسألك ايماًناً تباشر به قلبى ۴۰

که در این بیان امام علیه السلام علاوه بر درخواست ایمان، از خدا می خواهد که این ایمان به گونه ای باشد که قلب مبارک حضرت همواره ملازم و مباشر آن باشد و هرگز از آن فاصله نگیرد و از آن جدا نشود و این خود نشانگر اهمیت ایمان و محبوبیت آن نزد حضرت سید الساجدین علیه السلام است.

نکته دیگر این که به جهت ارزش و اهمیت فراوان ایمان، مسأله ازدیاد آن نیز به عنوان یک امر مطلوب در قرآن کریم مطرح گردیده است و آیات شریفه ای که در این باب نازل شده اند طرق گوناگون ازدیاد آن را به ما نشان می دهند مانند این آیه شریفه: هو الذى أنزل

السكينة فى قلوب المؤمنين ليزدادوا ايماًناً... (فتح، ۴۱/۴۸)

در این آیه شریفه انزال سکینه توسط پروردگار، یکی از راه های ازدیاد ایمان شمرده شده است. طلب ازدیاد ایمان در مواضع مختلف بیانات امام سجاد علیه السلام به چشم می خورد، از جمله می فرماید:

اللهم انى أسألك ان تملأ قلبى... ايماًناً بك. ۴۲



در بیان فوق امام علیه السلام از خداوند می خواهد که ایمانش را چنان افزون فرماید که قلب مبارک حضرت سرشار و مالا مال از ایمان گردد.

برخی دیگر از خصوصیات قلب سلیم

از آنجا که تفصیل این خصوصیات از حوصله و حجم این نوشتار خارج است برخی دیگر از خصوصیات و ویژگی های قلب سلیم را که از مطالعه قرآن کریم و صحیفه سجادیه و برخی دیگر از روایات به دست می آید، فهرست وار اشاره می کنیم:

۱. استعاذه و التجاء؛ ۲. توبه؛ ۳. طهارت؛ ۴. نور و بصیرت؛ ۵. صدق؛
۶. رفعت؛ ۷. شرح؛ ۸. انقیاد؛ ۹. انقطاع؛ ۱۰. حیا؛ ۱۱. عبودیت و خضوع در برابر عظمت قلب پروردگار؛ ۱۲. اعتراف؛ ۱۳. احساس کوتاهی و تقصیر در برابر خداوند؛ ۱۴. آرزوهای؛ ۱۵. شکوه ها و ناله های؛ ۱۶. رضا و تسلیم؛ ۱۷. شوق و نشاط؛ ۱۸. شکر و سپاس.



۱. راغب اصفهانی، مفردات/ ۱۷۹.

۲. ابی زکریا محی الدین بن شرف النووی، تهذیب الاسماء و اللغات، ۱/ ۱۱۱ بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳. ترجمه: همانان که خدا را در حال ایستادن و نشستن و آنگاه که بر پهلو خوابیده اند یاد می کنند.

۴. صحیفه سجادیه/ ۶۳، دعای ۱۱. ترجمه: ای کسی که یادت (مایه) آبروی یادکنندگان است. ترجمه: مرا یاد کنی تا شما را یاد کنم.

۵. ابن ماجه، ابوعبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فوائد عبدالباقی/ ۱۲۵۵، ح ۳۸۲۲، چاپ اول، قاهره: مطبعة عیسی البابی الحلبي، ۱۳۷۴ هـ. ق.

۶. شیخ حر العاملی، وسائل الشیعه، ۴/ ۱۱۸۸، ح ۲، انتشارات داراحیاء التراث لعربی، بیروت ۱۳۹۱ هـ. ق.

۷. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، مناجات الذاکرین/ ۲۳۴. ترجمه: پس ما را به ذکر خود امر فرمودی و وعده دادی که چون یاد تو کنیم از ما یاد کنی تا یاد تو ما را شرافت و عزت و عظمت بخشد.

۸. سید علی خان مدنی، ریاض السالکین، ۲/ ۴۴۷.

۹. ترجمه: آگاه باشید با یاد خدا دلها آرامش می یابد.

۱۰. مفاتیح الجنان، مناجات الذاکرین/ ۲۳۴.

۱۱. ترجمه: و آنان که آن چه وظیفه بندگی و ایمان است بجای آورده و باز از روزی که به خدای خود رجوع می کنند دل هایشان ترسان است.
۱۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۴/۱۰.
۱۳. همان/۲۶۴.
۱۴. صحیفه سجادیه، دعای ۴۴. ترجمه: بارالها... ما را از کسانی که آنچه را می دهند در حالی که دل هایشان از فکر بازگشت به سوی پروردگارشان ترسان است قرار ده.
۱۵. ترجمه: خدای خود را با تضرع و خوف و بی آنکه آواز برکشی در دل خود در صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش (یک دم از یاد خدا غافل مباش).
۱۶. همان، دعای ۴۷. ترجمه: بارالها... مانند مسألت (شخص) حقیر خوار... ترسندۀ امان خواهند از تو مسألت می کنم و با این احوال مسألتم از روی ترس و زاری است.
۱۷. همان، دعای ۵. ترجمه: بارالها... سلامت دلها ما را در یاد کردن عظمت خود قرار ده.
۱۸. ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند، و کسانی که مهاجرت نموده اند و در راه خدا جهاد کرده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.
۱۹. محی الدین الهی قمشه ای، شرح صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، چاپ هشتم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰. ترجمه: بارالها... امیدی (بی حد) که به رحمت نامنتهای تو دارم محقق ساز (و مرا به آن امید نایل گردان).
۲۰. صحیفه سجادیه، دعای ۵۴. ترجمه: بارالها... پس من صبح کردم در حالی که اعتماد و امیدم در کارها تویی.
۲۱. سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ۲/۹۵، تنظیم و تصحیح و مقدمه از سید محمد هاشم دستغیب، چاپ دوم، انتشارات ناس ۱۳۶۴.
۲۲. ترجمه: شیطان شما را نفریبد.
۲۳. ترجمه: شیطان شما را فریب داد.
۲۴. ملا فتح الله کاشانی، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ذیل آیه ۱۴ سوره حدید، تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
۲۵. ترجمه: پهلوها یشان از بسترها در دل شب دور می شود (بها می خیزند و رو به درگاه خدا می آورند) پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند.
۲۶. صحیفه سجادیه، دعای ۳۱.
۲۷. سید عبدالحسین دستغیب، قلب سلیم، ۱/۹۲-۹۳.
۲۸. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ۲/۶۷. ترجمه: نیست بنده مؤمنی مگر اینکه در قلب او دو نور است، نور خوف، نور رجاء و هیچ یک بر دیگری زیادتی ندارد بلکه هر دو ماسوی هستند.
۲۹. وسائل الشیعه، ۱۱/۱۷۰. ترجمه: مؤمن اهل ایمان نخواهد بود مگر وقتی که دارای خوف و رجاء هر دو باشد و دارای خوف و رجاء نیست مگر به آنچه امید دارد و از آنچه می ترسد عمل نماید.
۳۰. قلب سلیم، ۱/۹۵.
۳۱. ترجمه: آنها که صدای خود را نزد رسول خدا کوتاه می کنند کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای تقوا خالص ساخته است.
۳۲. ابی عبد الله القرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۷/۴۴۸، الطبعة الثالثة، دارالکتب المصریه، دارالکتاب العربی



للطباعة والنشر ۱۳۸۷ (هـ. ق.)، ۱۹۶۷ (م).

۳۳. صحیفه سجادیه، دعای ۲۱.

۳۴. ترجمه: آیا آنها سیر در زمین نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند یا گوش‌های شنوایی که ندای حق را بشوند.

۳۵. تفسیر نمونه، ۱۴/۱۲۹.

۳۶. صحیفه سجادیه، دعای ۱۵. ترجمه: دو فرشته کاتب اعمال برآیم نوشته‌اند... اعمالی که فکر آن بر قلبی نگذشته است.

۳۷. همان، دعای ۴۲. ترجمه: بارالها قرآن را مونس ما قرار ده... تا فهم عجایب آن را به دل‌های ما برسانی.

۳۸. ترجمه: ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده، و آن را در دل‌هایتان زینت بخشید.

۳۹. تفسیر نمونه، ۲۲/۱۵۸.

۴۰. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی/۳۳۴. ترجمه: ای خدا من از تو درخواست می‌کنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد.

۴۱. ترجمه: او کسی است که سکینه و آرامش را در لپ‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمانشان افزوده شود...

۴۲. مفاتیح الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی/۳۳۴. ترجمه: خدایا من جداً از تو می‌خواهم که پرکتی دلم را با ایمان به تو.



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

